



The Impact of Verse 92 of Surah Yunus on Rejecting the Nile River and Contradicting Ron Wyatt's Theory (Grounded Theory)*

Seyyede Somayyeh Khatami¹ and Seyyed Morteza Khatami²

Abstract



At least six verses in the Quran explicitly mention the issue of the Israelites crossing the sea, highlighting the significance of this miracle among all of Prophet Moses' (peace be upon him) miracles. Various opinions regarding the location of this sea have been proposed, with the examination of the western part of the Red Sea as the split location being one of the primary aims of this article. The main approach of this research is a qualitative theoretical framework in which the data is coded based on the priority of relevant Quranic verses and then referenced sources. The research findings indicate three prevailing scientific opinions about the sea's location, with some considering it the Red Sea and others the Nile River. Those who consider it the Red Sea also mention its eastern and western branches. The western part of the Red Sea has characteristics very close to the extracted concepts. One of the key concepts influencing and forming the causal conditions is the medical and archaeological research on Pharaoh's body, which, according to evidence taken from the sea (not the river), concludes that the location of the crossing is not the Nile River. Moreover, according to Quranic verses, the place where the Israelites wandered lacked common food sources. This pivotal phenomenon, with the necessary grounds provided, has positive implications in rejecting Ron Wyatt's theory, which places the crossing site of the Children of Israel at the eastern branch of the Red Sea or the Gulf of Aqaba, making the Quran a more credible source.

Keywords: Quran, Sea, Geographic Location, Ron Wyatt's Theory.

*. **Date of receiving:** 06/03/2023; **Date of correction:** 14/06/2023; **Date of approval:** 25/09/2023.

1. Assistant Professor and Faculty Member at Hakim Sabzevari University, Iran (Corresponding Author): s.khatamy@hsu.ac.ir.

2. Fourth-Level (Ph.D.) Candidate of Jurisprudence and Principles of Islamic Jurisprudence, Qom Seminary, Iran: mortezakhatami1364@gmail.com.



تأثیر آیه ۹۲ سوره یونس بر رد رود نیل و نقض نظریه ران وایت (گرندد تئوری)*

سیده سمیه خاتمی^۱ و سید مرتضی خاتمی^۲



چکیده

حداقل شش آیه قرآن به صورت صریح مسئله عبور بنی اسرائیل از دریا را مطرح کرده است و این معجزه از میان تمام معجزات حضرت موسی (علیه السلام)، اهمیت بیشتری را نشان می‌دهد. قول‌های مختلفی درباره مکان این دریا مطرح شده است که بررسی بخش غربی دریای سرخ به‌عنوان مکان شکافته شدن دریا از اهداف اصلی این مقاله است. روش اصلی این پژوهش، رویکرد کیفی نظریه زمینه‌ای است که داده‌های حاصل براساس اولویت از آیات مرتبط و سپس منابع استنادی کدگذاری شده است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد در گفتگوی علمی سه نظر درباره مکان دریا مطرح است که بعضی دریای سرخ و بعضی رود نیل می‌دانند و آنها که دریای سرخ می‌دانند دو شاخه شرقی و غربی را نیز مطرح می‌کنند. بخش غربی دریای سرخ ویژگی‌هایی دارد که به مقولات استخراج شده بسیار نزدیک است. از مقولات اصلی که به‌عنوان شرایط علی و شکل دهنده شرایط علی، بر پدیده محوری تأثیر گذاشته و منجر به بروز آن شده است، تحقیقات پزشکی و باستان‌شناسی جسد فرعون بود که طبق شواهد از دریا گرفته شده نه از رود (بنابراین محل عبور، رود نیل نیست) و نیز براساس آیات قرآن، محل سرگردانی بنی اسرائیل فاقد منابع غذایی متداول بوده است. این پدیده محوری با فراهم شدن بسترهای لازم، آثار خوبی را در جهت رد نظریه رون وایت (Ron Wyatt) دارد که محل عبور قوم بنی اسرائیل را شاخه شرقی دریای سرخ یا خلیج عقبه می‌داند و صحیح‌ترین سخن را از قرآن می‌توان یافت.

واژگان کلیدی: قرآن، بحر، موقعیت جغرافیایی، نظریه رون وایت.

* تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۲/۱۶؛ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۲/۰۳/۲۵ و تاریخ تأیید: ۱۴۰۲/۰۷/۰۴.

۱. استادیار و عضو هیئت علمی دانشگاه حکیم سبزواری، ایران (نویسنده مسئول): s.khatamy@hsu.ac.ir

۲. سطح چهار فقه و اصول، حوزه علمیه قم، ایران: mortezakhatami1364@gmail.com



۱. مقدمه

خداوند متعال بعد از مناظره‌ای که بین حضرت موسی علیه السلام و مومن آل فرعون و فرعون و فرعونیان انجام گرفت به لحاظ استدلال حجت را تمام کرد (غافر/۲۶-۴۰) و بالاخره دستور به خروج مخفیانه و شبانه قوم بنی اسرائیل از مصر می‌دهد؛ اما خروج این جمعیت چند هزار نفری به گوش فرعون می‌رسد و محل تلاقی فرعونیان و قوم بنی اسرائیل دریاست که پیش‌روی آنها قرار دارد و اینجاست که آن لحظه مهم و جاودانه رقم می‌خورد و هزاران نفر شاهد تحقق این معجزه بزرگ الهی هستند که در لحظه دریا شکافته می‌شود و آن جمعیت عبور می‌کنند و به محض ورود جمعیت فرعونیان و قرارگرفتن آنها در وسط دریا، آب دوباره برمی‌گردد و آنها غرق می‌شوند. این اصل مسئله است که انکارنشده است.

در اینکه این دریا کجاست، اشاره‌ای به شکل صریح به نام آن دریا نشده است، به همین دلیل نظرات مختلفی در میان محققان باستان‌شناسی و جغرافیایی و مفسران مطرح شده است و هر گروه هم دلایل خودش را مطرح می‌کند. چه دلایل علمی یا جغرافیایی و حتی باستان‌شناسی که در این منطقه یافت شده است. تأمل نکردن به شکل دقیق در این مسئله موجب شده است نظریاتی مثل نظریه رون وایت مطرح شود که در نتیجه این اتفاق تأثیر بسزایی می‌گذارد و شاید به این واسطه بسیاری از معجزات حضرت موسی علیه السلام زیر سؤال رود؛ اما نکات ظریف مطرح شده در آیات قرآن به زیبایی در حل این مسئله علمی می‌تواند کمک کند و این مقاله به دنبال حل این مسئله علمی و یافتن موقعیت دقیق «بحر» در این آیات است. مسئله اصلی این پژوهش پاسخ به این سؤال است که آیا قرآن کریم به مقوله تعیین مکان جغرافیایی «بحر» در معجزه شکافته‌شدن دریا توجه کرده است؟ در این راستا لازم است به این سؤال نیز پاسخ داده شود که اولاً مفهوم «بحر» در آیات متعدد قرآن در چه مصادیقی به کار رفته است؟ و در وهله بعد باید گفت، بسترهای شکل‌گیری لازم در فرضیه مورد نظر چه می‌تواند باشد؟ عوامل شکل‌دهنده و تسهیل‌گر در این پدیده محوری چه مواردی می‌تواند باشد؟

در ابتدا باید گفت واژه «بحر» و مشتقات آن ۳۶ مرتبه در قرآن به کار رفته است که ۲۵ بار آن به صورت مطلق و بدون توجه به دریای خاصی ذکر شده است؛ اما شش بار به شکافته‌شدن دریا درباره قوم بنی اسرائیل و قضیه خروج مرتبط است. این معجزه از میان تمام معجزات حضرت موسی علیه السلام، بیشتر تکرار شده و اهمیت بیشتری را نشان می‌دهد. از طرفی وجه دیگر اهمیت بررسی این مکان در این است که اماکن کتاب مقدس سال‌هاست در جهت معرفی ادیان مسیحی و یهودی به کار گرفته شده و وسیله‌ای در جهت تبیین حقانیت این ادیان شده است، درحالی‌که بهترین سخن را تنها در این مکان‌ها در قرآن می‌توان پیدا کرد و این موضوع می‌تواند وسیله‌ای باشد در جهت تبیین حقانیت قرآن کریم و دین مقدس اسلام.

۲. پیشینه پژوهش

در تفسیر آیات قرآن گاهی مکان بحر بررسی شده است، مثل تفسیر المیزان از مرحوم علامه طباطبایی یا تفسیر نمونه از آیت الله مکارم شیرازی و در بعضی آثار جغرافیایی جدید که توجهی به موقعیت مکان‌های نامبرده در قرآن دارند، در این راستا اطلاعاتی یافته می‌شود که از جمله آنها می‌توان به کتاب «معجم اماکن جغرافیایی قرآن مجید» محمدحسن عرب نام برد که به حدود صد مکان به طور اجمالی پرداخته است یا کتاب «باستان‌شناسی و جغرافیای تاریخی قصص قرآن» عبدالکریم بی‌آزار شیرازی نیز که به گونه‌ای مرتبط با این موضوع کار کرده است و آخرین اثری که به نحو بیشتری مرتبط با این موضوع کار کرده است، مقالاتی است با عناوین ذیل که در هر کدام وجه تمایز این مقاله با این آثار بیان می‌شود:

- «جغرافیای تاریخی عبورگاه بنی اسرائیل از بحر با تأکید بر دیدگاه‌های مفسران قرآن و عهد عتیق»، طاهره امین طباطبایی، محمدعلی احمدیان، مجله علوم قرآن و حدیث، ۱۳۹۳. در این مقاله نویسنده به خوبی اقوال موجود در جغرافیای بحر را بیان می‌کند؛ اما در نهایت فقط به ترجیح بیشتر دریای سرخ بر رود نیل با دلایل مطرح شده می‌پردازد؛ اما اینکه شاخه غربی و یا شرقی دریای سرخ ترجیح دارد، ورود نیافته است و حتی به شکلی شاخه شرقی را بر غربی به دلیل تحقیقات علمی رون وایت و تیمش ترجیح داده است، در حالی که می‌توان با اتکا بر تحقیقات قرآنی، شاخه غربی را ترجیح داد.

- «بررسی تطبیقی دیدگاه قرآن و نظریه باستان‌شناسی مورس بوکای درباره نجات بدن فرعون»، بی‌بی‌سادات رضی بهابادی، هاجر اسدی، مجله قرآن و علم، ۱۳۹۶. در این مقاله بیشتر به تطبیق دیدگاه مورس بوکای و نظریه قرآن و صحت و سقم آن می‌پردازد و در انتها به این نتیجه می‌رسد مشابهت‌های درخور تأملی بین جسد فرعون کشف شده با فرعون معاصر موسی وجود دارد، در اینجا به نحوی از نتایج این مقاله استفاده می‌شود.

در میان آثار، بعضی مقالات مرتبط با مکان‌ها در کتاب مقدس بررسی شده است (رضایی و ناظمی، بررسی باستان‌شناسی و قرآن، ۱۳۹۲؛ فرزندوحی و جمشیدی، نقد مقاله حضرت یوسف در دایرةالمعارف جودائیکا، ۱۳۹۸)؛ اما یکی از کسانی که درباره مکان‌های کتاب مقدس بیشتر تحقیق کرده و به خصوص ادعای دیگری را درباره مکان بحر دارد، باستان‌شناس آمریکایی به نام رون وایت است که دیدگاه او را در رابطه با کوه طور و گذر قوم بنی اسرائیل از دریا می‌توان در مقالات زیر پیدا کرد:

- مارشال بیبر، مقاله «کوه سینای واقعی یافت شده در عربستان».

- مری نل وایات، مقاله «کوه سینا» خبرنگار ۶ ژانویه ۱۹۹۴.



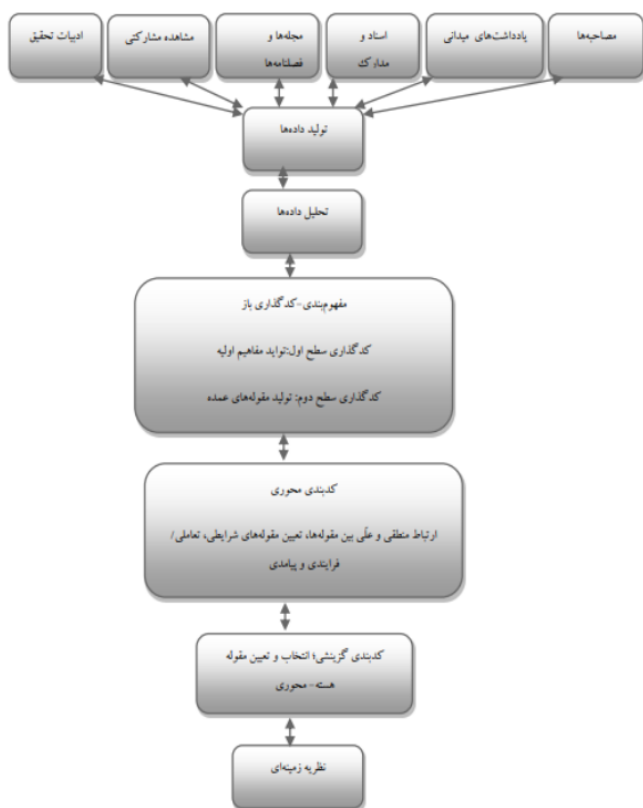
- فاید من. دی. مقاله «بررسی کوه سینا در کتاب مقدس»، مجله پژوهشی «کتاب مقدس و تجزیه و تحلیل»، ۲۰۰۰، دوره چهارم، شماره ۱۳، ص ۱۱۵-۱۱۸.
- فرانتس. جی. مقاله «کوه سینا در عربستان سعودی؟» مجله کتاب مقدس و تجزیه و تحلیل ۲۰۰۰م، دوره ۴، ش ۱۳، ص ۱۰۱-۱۱۳.
- فرانتس گوردون، مقاله «کوه سینا جبل اللوز در عربستان سعودی نیست» مجله Bible and Spade پاییز ۲۰۰۰.

البته مقالاتی نیز به صورت پراکنده در میان آثار خارجی مرتبط با سرزمین مصر و با وجود تلاش بسیار خوبی که نویسندگان در این زمینه داشته‌اند، وجه تمایز اثر فوق با این آثار ارزشمند در این است که در کتب مفسران و یا سایر محققان، بررسی خاص مکان «بحر» با توجه به آیات قرآن و تحقیقات علمی انجام گرفته که در این مقاله به صورت دقیق تر همراه با نقد نظرات مطرح شده صورت پذیرفته است. در واقع نوآوری پژوهش حاضر، علاوه بر پرداختن به مقوله تعیین موقعیت جغرافیایی «بحر» با توجه ویژه به آیات قرآن، بر ساختار کلی استنباط شده، روش استخراج آن به صورت نظریه زمینه‌ای و هدف مترتب بر آن نیز استوار است.

۳. روش پژوهش

روش اصلی این پژوهش؛ نظریه زمینه‌ای است؛ شیوه‌ای از پژوهش کیفی که با استفاده از یک دسته داده‌ها، تکوین می‌یابد، به طوری که این نظریه در سطحی گسترده، یک فرایند عمل یا تعامل را تبیین می‌کند. بنابراین به جهت بررسی نظریات موجود و بیشتر مطرح شده در رابطه با بحر که محل عبور بنی اسرائیل است، میدان داده‌ها، قرآن و سپس منابع استنادی اعم از مقالات، نقشه‌ها و عکس‌های ماهواره‌ای، گزارش‌ها و تحقیق‌های میدانی است و از آنجاکه در پژوهش حاضر، از روش پژوهش زمینه‌ای استفاده شده است، به منظور گردآوری داده‌ها از ابزار اسناد و مدارک و گزارش و مقالات در مجلات استفاده کرده است. برای تحلیل داده‌ها از سه روش کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری انتخابی استفاده شده است. در مرحله کدگذاری باز، مفاهیم اولیه و در مرحله کدگذاری محوری، مقولات عمده همراه با مقوله هسته استخراج می‌شود و در مرحله کدگذاری انتخابی که همراه با بررسی دقیق داده‌ها و کدبندی در مرحله قبلی است، پژوهشگر به تحلیل داده‌ها می‌پردازد و آنها را در قالب نظریه‌ای ارائه می‌دهد و البته به ابعاد دیگر مطلب که شامل شرایط، تعاملات و پیامدها است، نیز به عنوان الگوی پارادایمی توجه می‌کند (Straus, & Corbin, Basics of Qualitative Research: techniques and Procedures for Developing Grounded Theory, 2008, 6-22).

توجه به گزینش روش بیان نظریه زمینه‌ای، باید به دنبال داده‌هایی باشیم که قرار است مقولات خود را از آنها استخراج کنیم. یکی از مهم‌ترین مواردی که در تولید داده به آنها مراجعه می‌کنیم، قرآن کریم است. در واقع در مرحله تولید داده‌ها ابتدا به قرآن و سپس منابع مراجعه می‌کنیم. در روش نظریه زمینه‌ای محقق ممکن است داده‌ها را از طریق مصاحبه، مشاهده، مراجعه با اسناد، یا ترکیبی از این منابع جمع‌آوری کند (Mohammadpour, Mohammadpour, Rezaei, Semantic Understanding the Consequences of the Entry into the Region of Orman of the Kurdistan of Iran in the Field of Research, 2008). بنابراین در اینجا نیز به روش فوق، در هر یک از این موارد از آیات قرآن و یا سایر اسناد و مدارک به دنبال پاسخ به سؤالات مذکور هستیم.



نمودار ۱ مراحل انجام تحقیق با نظریه‌ای زمینه‌ای (ibid)



به منظور گردآوری داده، با مرور آیات مرتبط با موضوع، آیات مربوط (۳۶ آیه)، کد یا کدهای لازم را دریافت کرده‌اند، ولی به جهت محدودیت حجم مقاله، فقط به نمونه‌ای از آیات و کدهای داده‌شده به آنها، به صورت بسیار خلاصه اکتفا شده است و نیز از آیات قرآن هم به ظاهر آیات و هم تفاسیر معتبر به کار رفته با توجه به دانشمندان تفسیری و صاحب نظران حوزه جغرافیایی مراجعه می‌شود و داده‌های جمع‌آوری شده نیز گاهی مستقیم به موضوع ارتباط دارد و گاهی غیرمستقیم، و مراحل کار با توجه به تحقیقات انجام گرفته در عرصه پژوهش‌های میان‌رشته‌ای قرآن کریم در این زمینه است.

۴. یافته‌های پژوهش

همانگونه که بیان شد، هدف از این پژوهش بررسی معادل‌یابی واژه «بحر» در عبور قوم بنی اسرائیل از دریا به منظور ارائه یک نظریه زمینه‌ای است. یافته‌های پژوهش در شکل ۱ نمایش داده شده است که شامل مقولات محوری و یک مقوله هسته‌ای است. برای نمونه به موردی از کدگذاری باز و کدگذاری محوری در تعیین مقوله اول اشاره می‌شود.

ردیف	داده‌های خام	مفهوم	مقوله
۱	﴿وَ إِذْ فَرَقْنَا بِكُمْ الْبَحْرَ فَأَتَّخَيْنَاكُمْ وَاغْرَفْنَا آلَ فِرْعَوْنَ وَ أَنْتُمْ تُنظَرُونَ﴾ (بقره/۵۰)؛ و (به خاطر بیاورید) هنگامی که دریا را برای شما شکافتیم و شما را نجات دادیم و فرعونیان را غرق ساختیم و شما تماشا می‌کردید.	شکافتن دریا و نجات قوم بنی اسرائیل	مقوله
۲	﴿وَ جَاوَزْنَا بِبَنِي إِسْرَائِيلَ الْبَحْرَ فَأَتَوْا عَلَى قَوْمٍ يَعْكُفُونَ عَلَى أَصْنَامِ لَهُمْ قَالَوا يَا مُوسَى اجْعَلْ لَنَا إِلَهًا كَمَا لَهُمْ آلِهَةٌ قَالَ إِنَّكُمْ قَوْمٌ تَجْهَلُونَ﴾ (اعراف/۱۳۸)؛ و بنی اسرائیل را از دریا (سالم) عبور دادیم در مسیر خود به جمعیتی رسیدند که اطراف بت‌هایشان با تواضع و خضوع گرد آمده بودند (در این هنگام بنی اسرائیل) به موسی گفتند: برای ما معبودی قرار ده، همانگونه که آنها معبودان (و خدایان) دارند! گفت: شما جمعیتی جاهل و نادان هستید.	عبور سالم قوم بنی اسرائیل از دریا	بحر به‌کاررفته در آیات عبور قوم بنی اسرائیل دارای
۳	﴿وَ جَاوَزْنَا بِبَنِي إِسْرَائِيلَ الْبَحْرَ فَأَتْبَعَهُمْ فِرْعَوْنُ وَ جُنُودُهُ بَغْيًا وَ عَدَاوًا حَتَّى إِذَا أَدْرَكَهُ الْعَرْقُ قَالَ آمَنْتُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا الَّذِي	یادآوری نجات قوم بنی اسرائیل و غرق	بیشترین تعداد و

<p>اهمیت ویژه‌ای است.</p>	<p>فرعونیان در دریا</p>	<p>آمَنْتَ بِهِ بَنُو إِسْرَائِيلَ وَ أَنَا مِنَ الْمُسْلِمِينَ ﴿ (یونس/۹۰)؛ بنی اسرائیل را از دریا عبور دادیم، و فرعون و لشکرش از سر ظلم و تجاوز به دنبال آنها رفتند، تا هنگامی که غرقاب دامن او را گرفت، گفت: ایمان آوردم که هیچ معبودی جز کسی که بنی اسرائیل به او ایمان آورده‌اند وجود ندارد، و من از مسلمانان هستم.</p>	
	<p>تبدیل شدن دریا به راهی خشک و از بین بردن ترس قوم بنی اسرائیل به دلیل غرق نشدن</p>	<p>﴿وَلَقَدْ أَوْحَيْنَا إِلَى مُوسَى أَنْ أَسْرِ بِعِبَادِي فَاصْرَبْ لَهُمْ مَرِيضًا فِي الْبَحْرِ يَبَسًا لَا تَخَافُ دَرَكًا وَلَا تَخْشَى﴾ (طه/۷۷)؛ ما به موسی وحی فرستادیم که بندگانم را شبانه با خود ببر، و برای آنها راهی خشک در دریا بگشا که نه از تعقیب خواهی ترسید، و نه از غرق شدن در دریا.</p>	<p>۴</p>
	<p>شکافته شدن دریا با عصا و جدا شدن آن همچون کوه عظیمی</p>	<p>﴿فَأَوْحَيْنَا إِلَى مُوسَى أَنْ اصْرَبْ بِعَصَاكَ الْبَحْرَ فَانْفَلَقَ فَكَانَ كُلُّ فَوْقٍ كَالطُّورِ الْعَظِيمِ﴾ (شعراء/۶۳)؛ و به دنبال آن به موسی وحی کردیم عصایت را به دریا بزن، دریا از هم شکافته شد، و هر بخشی همچون کوه عظیمی بود.</p>	<p>۵</p>
	<p>آرام شدن دریا بعد از شکافته شدن عظیم و غرق فرعونیان</p>	<p>﴿وَ اتْرَكَ الْبَحْرَ رَهْوًا إِنَّهُمْ جُنْدٌ مُّعْرَقُونَ﴾ (دخان/۲۴)؛ هنگامی که از دریا گذشتید، دریا را آرام و گشاده بگذار که آنها لشکر غرق شده‌ای خواهند بود.</p>	<p>۶</p>

جدول ۱، کدگذاری باز و محوری مقوله اول؛ « بحر به کاررفته در عبور قوم بنی اسرائیل دارای اهمیت ویژه‌ای است.

۵. مقولات محوری

هریک از مقولات محوری در ادامه توصیف می‌شود. آنچه در ذیل هر مقوله بیان می‌شود، مفاهیمی است که در کدگذاری باز به تولید آن مقولات منجر شده است. ابتدا داده‌های دریافت شده در آن مقوله در جهت معادل‌یابی از قرآن بیان می‌شود و سپس داده‌های دریافت شده از سایر اسناد و مدارک بیان می‌شود.



مقوله اول: اهمیت ویژه بحر به کاررفته در آیات عبور قوم بنی اسرائیل

در ۳۶ آیه قرآن واژه بحر به کار رفته است که بحر در آیات مربوط به شکافته شدن دریا از میان آیاتی که به مکان خاصی اشاره دارد، دارای بیشترین تعداد است. این مقوله از مفاهیم زیر به دست می‌آید:
بحر در کل آیات به چهار وجه به کار رفته است:

مفهوم اول: بحر در آیات متعددی به معنای مطلق دریا است

داده‌های مرتبط: ۲۵ آیه از آیاتی که واژه بحر در آن به کار رفته، به صورت نامعلوم و به معنای مطلق دریاست.

شماره آیه	ترجمه آیات
نور/۴۰	یا همچون ظلماتی است در یک دریای پهناور، که موج آن را پوشانیده، و بر فراز آن موج دیگری است.
بقره/۱۶۴	در آفرینش آسمان‌ها و زمین، و آمدوشد شب و روز، و کشتی‌هایی که در دریا سود مردم در حرکتند، و آبی که خداوند از آسمان نازل کرده، و با آن زمین را پس از مرگ زنده کرده و انواع جنبندگان را در آن گسترده و (همچنین) در تغییر مسیر بادها و ابرهایی که در میان زمین و آسمان معلق‌اند، نشانه‌هایی است (از ذات پاک خدا و یگانگی او) برای مردمی که عقل دارند و می‌اندیشند.
مائده/۹۶	صید دریا و طعام آن برای شما حلال است تا شما و مسافران از آن بهره‌مند شوید، ولی مادام که مُحَرَّم هستید صید صحرا برای شما حرام است و از خدایی که به سوی او محشور می‌شوید.
انعام/۶۳	بگو چه کسی شما را از تاریکی‌های خشکی و دریا رهایی می‌بخشد؟
کهف/۱۰۹	بگو اگر دریاها برای کلمات پروردگار مرکب شوند. دریاها پایان می‌گیرند پیش از آنکه کلمات پروردگار پایان یابد، هر چند همانند آن را به آن اضافه کنیم.

مفهوم دوم: بحر به معنای بندر ایله

بحر در یک آیه به محل زندگی قوم سبت (بندر ایله در حاشیه دریای سرخ) پرداخته است:
داده مرتبط: ﴿وَسَأَلْتَهُم عَنِ الْقَرْيَةِ الَّتِي كَانَتْ حَاضِرَةَ الْبَحْرِ إِذْ يَعْدُونَ فِي السَّبْتِ إِذْ تَأْتِيهِمْ حِيتَانُهُمْ يَوْمَ سَبْتِهِمْ شُرْعًا وَ يَوْمَ لَا يَسْبِتُونَ لَا تَأْتِيهِمْ كَذَلِكَ نَبْلُوهُمْ بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ﴾ (اعراف/۱۶۳)؛ «و از آنان درباره آن آبادی که کنار دریا بود، سؤال کن! آنگاه که در روز شنبه تجاوز می‌کردند، هنگامی که روز تعطیل، ماهی‌ها (به روی آب در) کناره‌های دریا نزد آنان می‌آمدند، و روزی که تعطیل نبودند، ماهیان آشکار نمی‌شدند. ما این گونه آنان را به خاطر تجاوز و فسقشان آزمایش می‌کردیم.»

مفهوم سوم: بحر به معنای محل برخورد خضر و موسی

واژه «بحر» در سه آیه به محل برخورد حضرت خضر و حضرت موسی علیه السلام پرداخته است. داده مرتبط: «وَ إِذْ قَالَ مُوسَى لِفَتَاةٍ لَا أُبْرِحُ حَتَّىٰ أَنْبِغَ مَجْمَعَ الْبَحْرَيْنِ أَوْ أَمْضِيَ حُقُبًا * فَلَمَّا بَلَغَا مَجْمَعَ بَيْنَهُمَا نَسِيَا حُوتَهُمَا فَاتَّخَذَ سَبِيلَهُ فِي الْبَحْرِ سَرَبًا * قَالَ أَرَأَيْتَ إِذْ أَوَيْنَا إِلَى الصَّخْرَةِ فَإِنِّي نَسِيتُ الْحُوتَ وَ مَا أَنسَانِيهِ إِلَّا الشَّيْطَانُ أَنْ أَذْكُرَهُ وَ اتَّخَذَ سَبِيلَهُ فِي الْبَحْرِ عَجَبًا» (اعراف/۶۱-۶۳)؛ «و چون موسی به شاگرد خویش گفت: آرام نگیرم تا به مجمع دو دریا برسم، یا مدتی دراز بسر برم. هنگامی که به محل تلاقی آن دو دریا رسیدند، ماهی خود را فراموش کردند و ماهی راه خود را در پیش گرفت. او گفت به خاطر داری هنگامی که ما به کنار آن صخره پناه بردیم، من در آنجا فراموش کردم جریان ماهی را بازگو کنم. این شیطان بود که یاد آن را از خاطر من برد، و ماهی به طرز شگفت‌انگیزی راه خود را در دریا پیش گرفت!»

مفهوم چهارم: بحربه معنای محل عبور قوم بنی اسرائیل

در شش آیه قرآن واژه «بحر» به معنای محل عبور قوم بنی اسرائیل از دریا پرداخته است. در این شش آیه (بقره/۵۰؛ اعراف/۱۳۸؛ یونس/۹۰؛ طه/۷۷؛ شعراء/۶۳؛ دخان/۲۴) به صورت صریح مسئله عبور بنی اسرائیل از دریا مطرح شده است و این معجزه از میان تمام معجزات حضرت موسی علیه السلام، چه آن نه معجزه‌ای که در مقابل فرعون در مصر اتفاق افتاده و چه آن معجزاتی که در صحرای سینا برای قوم بنی اسرائیل اتفاق افتاده، بیشتر تکرار شده و اهمیت بیشتری را نشان می‌دهد. بعد از ابلاغ فرمان الهی به فرعون و ایجاد مخالفت‌های شدید، حضرت موسی علیه السلام با ساحران دیدار کرده، از طریق اعجاز الهی موجب ایمان آوردن ساحران به خداوند تبارک و تعالی می‌شود؛ اما همچنان فرعون به آن حضرت ایمان نمی‌آورد و اجازه خروج بنی اسرائیل را از آنجا به سرزمین مقدس نمی‌دهد، تا اینکه بلاها و ناگواری‌هایی بر آنان فرود می‌آید؛ مانند طوفان - که املاک و کشتزارهای آنان را نابود می‌کند - حمله ملخ‌ها - که موجب از بین رفتن محصولات کشاورزی آنها می‌شود - آفت - که میوه‌ها را تباہ می‌کند و انسان و حیوان را آزار می‌رساند - و انبوهی از قورباغه‌ها که زندگی را به کام همه تلخ می‌کنند (اعراف/۱۰۲-۱۳۳) و خونی که موجب از بین رفتن آب آشامیدنی آنها شده بود (طبرسی، مجمع البیان، ۱۳۷۲، ۷۲۱/۴). خداوند متعال دستور به حرکت شبانه و حرکت به سمت سرزمین مقدس را به آنها می‌دهد. در مسیر حرکت از رود نیل یا دریای سرخ و با معجزه خشک شدن دریا، نجات بنی اسرائیل اتفاق می‌افتد و فرعون هلاک می‌شود. و اینجاست که پس از طی مسیری ورود به صحرای سینا تحقق می‌یابد (اعراف/۱۴۱-۱۳۴).



مقاله دوم: تفاوت مکان بحر در آرا صاحب‌نظران

در رابطه با موقعیت جغرافیایی بحر در آیات بیان‌شده تاکنون سه نظر در میان مفسران و جغرافی دانان و باستان‌شناسان بیان شده است. این مقوله از مفاهیم زیر به دست می‌آید:

مفهوم اول (نظری اول در مکان بحر): بحر مدنظر، رود نیل

این مفهوم از داده‌های زیر به دست آمده است:

داده مرتبط: در تفسیر آیات ۵۰ سوره بقره و ۹۰ یونس، بعضی از مفسران قائل به این هستند که مراد از بحر در اینجا رود نیل است و بیان می‌دارند با توجه به محل سکونت بنی‌اسرائیل در مصر و اینکه فرعون با لشکریان خود در تعقیب آنان بود، هنگامی که می‌خواستند به سرزمین موعود برسند، رود نیل از آن نهر عظیم، در مسیر حرکت آنان قرار داشته، که به علت طول زیاد و آب فراوان نیل، از آن نهر عظیم، در آیات قرآن به لفظ «بحر» یاد شده است. علاوه بر اینکه قرآن در داستان افکندن حضرت موسی (علیه السلام) به آب به «یم» تعبیر کرده است و با توجه به اینکه هر دو در یک داستان و حتی در یک سوره طه آمده است، همچنین هر دو به طور مطلق نقل شده است، به نظر می‌رسد که هر دو یکی باشد. پس با توجه به اینکه مادر موسی قطعاً او را به دریا نیفکند؛ بلکه طبق تاریخ و قرائن عادی او را به نیل سپرده، پس غرق فرعونیان هم در نیل بوده است (مکارم‌شیرازی، تفسیر نمونه، ۱۳۷۴: ۱/۱۵۱: ۳۵۸/۸). از جمله جغرافی دانان معاصری که همین رأی را پذیرفته‌اند نیز می‌توان به صاحب دانشنامه اماکن جغرافیایی قرآن مجید اشاره کرد (عرب، دانشنامه اماکن جغرافیایی در قرآن، ۱۳۸۷: ۱۳۰-۱۳۶).

رود نیل از دو رود نیل سفید و نیل آبی به وجود آمده است. نیل سفید از دریاچه ویکتوریا و نیل آبی از کوه‌های کشور اتیوپی سرچشمه می‌گیرد و سپس این دو رود در نزدیکی خارطوم، پایتخت کشور سودان، به هم پیوند می‌خورند و رود بزرگ نیل را تشکیل می‌دهند (Smith, Charles Gordon, Nile River Study and exploration <https://www.britannica.com/place/Nile-River/Study-and-exploration>)

مفهوم دوم (نظریه دوم در مکان بحر): بحر مدنظر، بخش شرقی دریای سرخ

در سال ۱۹۷۸ یک باستان‌شناس کتاب مقدس، به نام ران وایت (Ron Wyatt) محل عبور حضرت موسی را با قوم بنی‌اسرائیل و خشک شدن دریا را بر اثر اعجاز حضرت موسی (علیه السلام) از محل دریای سرخ در خلیج عقبه دانست. وی چنین استدلال کرد که محل واقعی کوه سینا که در کتاب مقدس (متی حوریب، سفر خروج ۱، ۳) آمده است، باید در کوه‌های اطراف مدین در عربستان سعودی باشد تا در شبه جزیره سینا در مصر. این کوه بر کوه جبل اللوز که کوه بلندی است و توسط ساکنان آن شناخته شده است، منطبق دانسته شده است. این مفهوم از داده‌های زیر به دست آمد است:

داده‌های مرتبط

الف. کشف بقایای ارابه ارتش مصر باستان، در پایین پلی که جزیره سینا را به عربستان (یعنی در بخش شرقی خلیج عقبه) اتصال می‌دهد و کم‌عمق‌تر به نسبت سایر مکان‌هاست، چرخ ارابه‌ای یافت شده که به دلیل روکشی که از طلا داشته، از بین نرفته است و در کنار آن استخوانی از اسب و فسیل استخوان انسان نیز یافت شده است که تعیین قدمت آن از طریق آزمایش کربن امکان‌پذیر نیست، بنابراین مکانی که وحی بر حضرت موسی (علیه السلام) نازل شد، باید مکانی پس از شبه جزیره سینا یعنی در عربستان باشد.

ب. شواهدی از یک اردوگاه باستانی در جبل الوز: در پای کوه جبل اللوز در عربستان شواهدی از یک اردوگاه باستانی به نسبت بزرگ است. در این اردوگاه سنگ‌های بزرگی است که تصاویری از حیواناتی که به‌عنوان خدایان مصری شناخته شده‌اند بر آن وجود دارد و نیز سنگ تغییر یافته‌ای که در آن گوساله طلایی توسط قوم بنی اسرائیل پرستش می‌شد.

ج. مدارکی از تقسیم سنگ برای خروج آب در جبل اللوز: صخره‌های گرانیتی وجود دارد که نشان از برش معجزه‌آسای آن توسط آب است و حاکی از جایی است که حضرت موسی در آن آب آشامیدنی را برای قوم بنی اسرائیل فراهم کرده است. (Beeber, Marshall, The Real Mt. Sinai Found In Saudi Arabia, https://www.messianic-literary.com/mt_sinai.html)

مفهوم سوم (نظریه سوم در مکان بحر): بحر مدنظر، شاخه غربی دریای سرخ

مفسران و تاریخ نگاران نظریه‌های دیگری درباره بحر که محل عبور بنی اسرائیل است، اظهار داشته‌اند. این مفهوم از داده‌های زیر به دست آمده است:

مرحوم زین‌العابدین رهنما در ترجمه قرآن خود ذیل آیه ۵۰ سوره بقره در رابطه با دریا می‌گوید: «قرآن راجع به عبور یهودی‌ها از رودخانه یا چگونگی شکاف دریا چیزی نمی‌گوید. تورات می‌گوید مقصود از (بحر) انتهای شمالی دریای احمر بود؛ چنان‌که در سفر خروج آیه‌های ۱۴ و ۲۱ چنین آمده است: «خداوند باعث شد که در همان شب دریا با باد قوی مشرقی به عقب برگردد» و بدین سان قوم یهود قادر شدند از آنجا عبور کنند. توضیح دیگر این است که قوم بنی اسرائیل از دریا همان موقع گذشته که در دریا جزری پیدا شد و وقتی که مصریها آمدند بگذرند، ناگهان در دریا حالت مدی پدید آمد که مصری‌ها از شوق تعقیب و سبقت گرفتن متوجه آن نشدند و غرق گردیدند. و قرآن در سوره بیستم آیه ۷۷ در این باره چنین می‌گوید: «و ما به موسی وحی کردیم که بندگان مرا رهبری کن و راه خشکی در دریا برایشان بنما که نه خطری برایشان باشد و نه بیمی» (رهنما، ترجمه و تفسیر رهنما، ۱۳۴۶:



بقره/۵۰). دریای سرخ در میان نظرات سایر مفسران قرآن هم دیده می‌شود که می‌گویند؛ چون خورشید به کوهسار غرب فرونشست و پرده‌های ظلمت شب جهان را فراگرفت موسی با بنی اسرائیل به سرعت و چابکی از شهر بیرون رفتند و به جانب بیت المقدس روان شدند تا قسمت خشکی خاک مصر را پیمودند و در کنار بحر احمر خود را در برابر دریایی مهیب و ژرف یافتند که مانعی عظیم در برابر ایشان به وجود آورده بود (بلاغی، قصص قرآن، ۱۳۶۶: ۱۴۴). باتوجه به نظرات مفسران و برداشت موجود از تورات به نظر دریای سرخ مدنظر است و با دلایلی که در ادامه در نقض نظریه ران وایت ذکر می‌شود به نظر نمی‌رسد مراد آنها بخش شرقی دریای سرخ است؛ بلکه باید بخش غربی مدنظر باشد.

مقوله سوم (نظر برگزیده): بخش غربی دریای سرخ

نظر معتبرتر از بحر مدنظر، بخش غربی دریای سرخ است. این مقوله از مفاهیم زیر (دلایل زیر) به دست آمده است:

مفهوم اول: جسد فرعون از دریا گرفته شده نه از رود

یکی از بزرگ‌ترین کشفیاتی که در رابطه با جسد فرعون اتفاق افتاد، شناسایی نحوه کشته شدن فرعون بود که توسط پزشک فرانسوی، موریس بوکای رقم خورد. وی یکی از پزشکان معروف و معاصر و از اسلام‌شناسان و نویسندگان مشهور غرب است و تألیفاتی راجع به قرآن دارد و قائل به سازگاری قرآن و علم است (رضایی اصفهانی و فراهی بخشایش، سازگاری قرآن و علوم طبیعی از منظر مستشرقان، ۱۳۹۳). کارل ارنست، محقق آمریکایی، بوکای مسلمان را حیرت‌آورترین فردی می‌داند که ادعای انحصارگرایانه اروپاییان را درباره علم به چالش کشید (زمانی و همکاران، مستشرقان هدایت یافته، ۱۳۹۳). مهم‌ترین اثر ماندگار او کتاب «مقایسه‌ای میان تورات انجیل قرآن و علم است (زمانی، قرآن و مستشرقان، ۱۳۸۵: ۸۵). وی که متخصص گاستروانترولوژی یا همان دستگاه گوارش شد در کتاب مذکور راجع به کشف جسد فرعون چنین می‌گوید:

«جسد مومیایی شده مینفتاح، پسر رامسس دوم، که همه عوامل، معادل بودن او را با همان فرعون زمان خروج قوم بنی اسرائیل مجاز می‌سازند، در ۱۸۹۸ در دره پادشاهان کشف شد و به قاهره منتقل شد. بعد از آن در موزه قاهره با سرگردن باز و باقی جسد به صورت پوشیده با قطعه‌ای پارچه در معرض دید تماشاگران قرار گرفت. در ژوئن ۱۹۷۵ مقامات عالیه مصری لطف کرده به من اجازه دادند قسمت‌هایی از جسد فرعون را که تا آن موقع پوشیده بود، معاینه کنم و عکس‌هایی از آن بگیرم. هنگامی که حالت کنونی را با وضع بیش از شصت سال پیش جسد مومیایی شده مقایسه گردید، آشکار شد که

ضایعاتی رخ داده و تکه‌هایی از بین رفته است که البته این ضایعات به دلیل تغییر شرایط نگاهداری مکان کشف که بیش از سه هزار سال آنجا نگاه داشته شده بود و مکان نگاهداری در موزه قابل توجیه بود؛ چراکه محفظه شیشه‌ای آن را کاملاً از خارج جدا نمی‌سازد و در معرض تغییرات درجه گرما بوده است. در جریان این بررسی جسد مومیایی شده در ژوئن ۱۹۷۵ به راهنمایی من با تخصص‌های خاصی انجام گرفت و برخی جزئیات خیلی مهم جسد دیده شد. با بررسی تکه‌های کوچکی که خودبه‌خود از جسد مومیایی شده افتاده بود و بررسی که توسط پروفیسور مینیو و دکتر دورینیون در پاریس انجام می‌گیرد، آنچه تاکنون قطعیت پیدا کرده، این است که فرعون یا در اثر غرق شدن یا در اثر اختلالات شدید ناشی از زخم‌ها و جراحات وارده پیش از فرورفتن در دریا یا در اثر هر دو هم‌زمان مرده است (بوکای، مقایسه‌ای میان تورات، انجیل، قرآن و علم، ۱۳۸۲: ۳۲۳-۳۲۵).

داده مرتبط، وجود بقایای نمک بر جسد فرعون

بنابراین طبق نظری که بوکای، متخصص دستگاه گوارش در اینجا بیان می‌دارد، آنچه مسلم است این است که وی در آب دریا غرق شده است. وی در کتاب مومیایی فراعنه که به بیان یافته‌های پزشکی و علمی حاصل از مطالعه مومیایی‌های فرعون، بحث در مورد بیماری‌های باستانی، روش‌های مومیایی کردن مصر، و هویت فراعنه‌های ذکر شده در عهد عتیق می‌پردازد، به تشریح دقیق‌تر جسد کشف شده فرعون و اطلاعات کامل‌تری در این خصوص (Bucaille, St Martins Pr, Mummies of the Pharaohs: Modern Medical Investigations, 1990) می‌پردازد. وی در یافته‌های نهایی و قطعی خود قائل است، آثار نمک دریا بر روی جسد فرعون کشف شده و شکسته شدن جمجمه مینفتح بر اثر فشار موج سنگین و بزرگ و کشف شکستگی استخوان بر اثر فشار آب دریا بدون آسیب دیدن پوست و گوشت از طریق پرتونگاری است (رضی بهابادی و اسدی، «بررسی تطبیقی دیدگاه قرآن و نظریه باستان‌شناسی مورس بوکای درباره نجات بدن فرعون»، ۱۳۹۶: ۱۳۴-۱۳۳).

داده مرتبط: گرفته شدن جسد بلافاصله از آب

اشباع نشدن جسد از آب دریا حاکی از آن است که جسد فرعون برای زمان طولانی زیر آب دریا نمانده است و بلافاصله از آب گرفته شده؛ زیرا آثار تلف شدگی جسد در اثر ماندن طولانی در زیر آب مشاهده نشد (همان).

بنابراین مورس بوکای علت مرگ مینفتح را دوباره غرق شدن در آب دریا می‌داند؛ یعنی همان چیزی که قرآن آن را تأیید می‌کند.



داده مرتبط: منطبق بودن خصوصیات این نمک با نمک دریا

اگر کسی اشکال کند بقایای نمک بر جسد فرعون به دلیل این است که جسد مومیایی را مدت طولانی در نمک می‌خوابانده‌اند، باید گفت مصریان برای مومیایی کردن اجساد از نوعی ماده شیمیایی به نام «ناترون» استفاده می‌کردند. ناترون مخلوطی از چهار ماده شیمیایی به نام‌های سدیم کربنات، سدیم بی‌کربنات، سدیم کلرید و سدیم سولفات است. بنابراین اگرچه مشابهت‌هایی میان ساختار مولوکولی این ترکیبات یونی یا نمک‌ها با نمک طبیعی دریا وجود دارد؛ اما به‌طور قطع ساختار مولوکولی نمک دریا به جهت وجود برخی املاح و ناخالصی‌ها قابل تشخیص و تمایز از ساختار شیمیایی ترکیبات یونی مذکور در ناترون است. بیشترین درصد نمک ناترون به‌کاررفته در مومیایی مصریان از نمک کربنات سدیم و بی‌کربنات سدیم است؛ اما درصد عمده نمک‌های دریا متشکل از سدیم کلرید است (همان: ۱۳۵، به نقل از Millero, Frank & al. ۲۰۰۸؛ باقری، تاریخ جهان؛ مومیایی مصر باستان، ۱۳۹۳: ۳۹).

باتوجه به این کشف علمی و اینکه می‌دانیم رود نیل آب شیرین داشته و رودخانه‌ای جهت مصارف خوراکی آنها بوده است، پس این بحر، نمی‌تواند همان بحری باشد که قرآن ذکر کرده است؛ چراکه باید آب آن شور باشد، بنابراین بحر به‌کاررفته در آیات قرآن با رود نیل تطابق ندارد و به همین دلیل رود نیل از میان احتمالات فوق‌الذکر کنار گذاشته می‌شود. از طرفی شکافته شدن دریای سرخ احتمالی است که در متون کتاب مقدس نیز اشاره شده است. چنان‌که در مزامیر داوود، شکر الهی به‌جا آورده می‌شود و بیان می‌شود «او را که بحر قلزم را به دو بحر تقسیم کرد. و اسرائیل را از میان آن گذراند و فرعون و لشگر او را در بحر قلزم انداخت.» (مزمور ۱۳۶، ۱۳-۱۵) عملاً دریای سرخ به‌عنوان مکان گذر حضرت موسی علیه السلام تقویت می‌گردد؛ اما باز ابهام همچنان در دو بخش شرقی و غربی آن باقی می‌ماند که در ادامه بررسی می‌شود.

مفهوم دوم: نقد نظریه ران وایت

نظریه ران وایت صحیح نیست. این مفهوم از داده‌های زیر به دست آمده است:

داده‌های مرتبط

الف. نبود شواهد تاریخی، جغرافیایی، باستان‌شناسی معتبر در عربستان به‌عنوان محل زندگی قوم بنی اسرائیل پس از عبور از دریا. در بیان نظریه تشریح شد که توجه به شاخه شرقی دریای سرخ (خلیج عقبه) مورد توجه باستان‌شناسانی از جمله ران وایت قرار گرفته است. در واقع علت اصلی که ران وایت بخش شرقی را در محل عبور قوم بنی اسرائیل تقویت کرد، پیداشدن شواهدی از گوساله سامری و یا

ارابه فرعون در دریا بود؛ اما نکته مهم در اینجا آن است که هم‌زمان با مطرح شدن این نظریه، افرادی این دلایل را رد کرده‌اند، (فاید، «بررسی کوه سینا در کتاب مقدس»، مجله پژوهشی «کتاب مقدس و تجزیه و تحلیل»، ۲۰۰۰: ۱۱۸-۱۱۵؛ فرانتس، «کوه سینا در عربستان سعودی؟» مجله کتاب مقدس و تجزیه و تحلیل، ۲۰۰۰م: ۱۰۱-۱۱۳). در این مقالات ادعای رون وایت از سه جهت شواهد باستان‌شناسی، مطابقت با کتاب مقدس و محل عبور قوم بنی اسرائیل از خلیج عقبه یا خلیج سوئز بررسی شده است. در پایان آمده است: «من معتقدم، این مقاله اثبات خواهد کرد که هیچ شواهد تاریخی، جغرافیایی، باستان‌شناسی معتبری برای حمایت از اینکه کوه سینا را در عربستان سعودی بدانیم، وجود ندارد» (گوردون، «کوه سینا جبل اللوز در عربستان سعودی نیست» مجله Bible and Spade، ۲۰۰۰: ۱۰۱-۱۱۳). بنابراین محل سرگردانی قوم بنی اسرائیل نباید در عربستان باشد و در صحرای سینا واقع شده است. در بخشی از این مقاله در قسمت مربوط به تطبیق بر کتاب مقدس آمده است: «در رابطه با محراب گوساله طلایی که در جبل اللوز شناخته شده است، باید گفت که واقعیت آن است که موسی نابودکننده گوساله طلایی بود به دلیل اینکه یک بت برای پرستش بوده است، حال چگونه ممکن است محراب آن را بجا گذاشته باشد. علاوه بر اینکه در رابطه با نقوش گاوی که در این مکان یافت شده است، یک باستان‌شناس سعودی که تز دکترای خود را در سنگ‌نگاره‌ها در عربستان سعودی برداشته است به من اطلاع داد که آن نقوش گاوی به دوره نوسنگی برمی‌گردد که به‌طور درخور توجهی زودتر از زمان خروج بنی اسرائیل از مصر و سرگردانی در بیابان است.»

بنابراین با وجود آنکه این نظریه در ابعاد مختلف توسط پیروان کتاب مقدس بررسی و تحلیل شده است و نقدهای زیادی بر آن وارد کرده‌اند؛ اما به نظر می‌رسد گذر حضرت موسی (علیه السلام) از شاخه غربی دریای سرخ (خلیج عقبه) به چند داده دیگر مردود است.

ب. تیه، فاقد آب و غذا

تیه (محل سرگردانی قوم بنی اسرائیل) فاقد آب، غذا، و یا منابع غذایی متداول بوده است، با توجه به آیات قرآن چند نکته در این رابطه فهمیده می‌شود، تیه (محل سرگردانی قوم بنی اسرائیل) فاقد آب، غذا، و یا منابع غذایی متداول بوده است. به همین دلیل از حضرت موسی (علیه السلام) درخواست آب و غذا کرده‌اند. ﴿وَ إِذِ اسْتَسْقَى مُوسَى لِقَوْمِهِ فَقُلْنَا اضْرِبْ بِعَصَاكَ الْحَجَرَ فَانْفَجَرَتْ مِنْهُ اثْنَتَا عَشْرَةَ عَيْنًا قَدْ عَلِمَ كُلُّ أُنَاسٍ مَشْرَبَهُمْ كَلُوا وَ اشْرَبُوا مِنْ رِزْقِ اللَّهِ وَ لَا تَعْسُوا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ. وَ إِذْ قُلْتُمْ يَا مُوسَى لَنْ نَصْبِرَ عَلَىٰ طَعَامٍ وَاحِدٍ فَادْعُ لَنَا رَبَّكَ يُخْرِجْ لَنَا مِمَّا تُنْبِتُ الْأَرْضُ مِنْ بَقْلِهَا وَ قَتْنِهَا وَ فُومِهَا وَ عَدْسِهَا وَ بَصَلِهَا قَالَ أَ تَسْتَبْدِلُونَ الَّذِي هُوَ أَدْنَىٰ بِالَّذِي هُوَ خَيْرٌ اهْبِطُوا مِصْرًا فَإِنَّ لَكُمْ مَّا سَأَلْتُمْ وَ ضَرِبْتَ عَلَيْهِمُ الذَّلَّةَ وَ الْمَسْكَنَةَ وَ

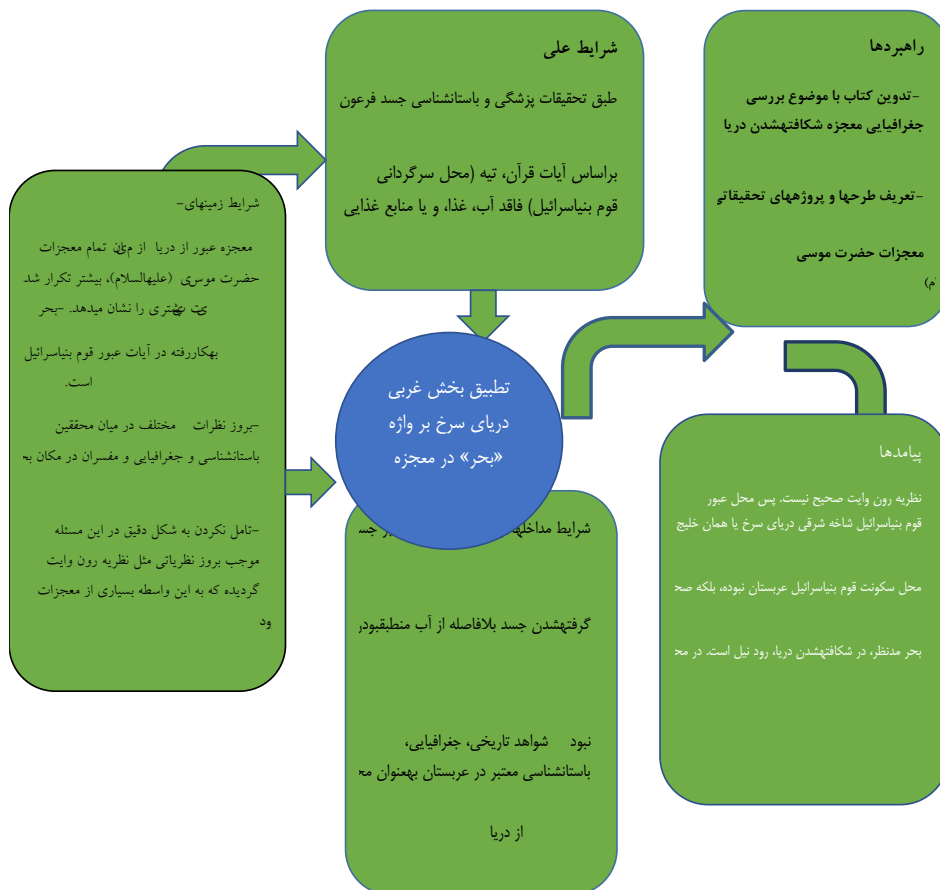


بِأَوْ بَعْضٍ مِنَ اللَّهِ ذَلِكَ بَأْتَهُمْ كَانُوا يَكْفُرُونَ بآيَاتِ اللَّهِ وَ يَتَّبِعُونَ النَّبِيَّ بغير الْحَقِّ ذَلِكَ بِمَا عَصَوْا وَ كَانُوا يَعْتَدُونَ ﴿بقره/ ۶۰ و ۶۱﴾؛ «و زمانی را که موسی برای قوم خویش طلب آب کرد به او دستور دادیم عصای خود را بر سنگ مخصوص بزن، ناگاه دوازده چشمه آب از آن جوشید، به طوری که هر یک چشمه مخصوص خود را می‌شناخت و از روزی‌های الهی بخورید و بیاشامید و در زمین فساد نکنید و فساد را گسترش ندهید. و زمانی را که گفتید: ای موسی، هرگز حاضر نیستیم به یک نوع غذا اکتفاء کنیم، از خدای خود بخواه که از آنچه از زمین می‌روید، از سبزیجات خیار، سیر، عدس، و پیاز برای ما برویاند، موسی گفت: آیا غذای پست‌تر انتخاب می‌نمائید، وارد شهری شوید، زیرا هرچه خواستید در آنجا هست. خداوند ذلت و نیاز بر پیشانی آنها زد و مجدداً رفتار غضب پروردگار شدند؛ چراکه آنها نسبت به آیات الهی کفر می‌ورزیدند و پیامبران را به ناحق می‌کشتند، این‌ها به خاطر آن بود که گناهکار و سرکش و متجاوز بودند.»

بر طبق نظریه رون وایت محل قوم بنی‌اسرائیل بعد از عبور از دریا، عربستان است، نه صحرای سینا، و شواهد مطرح شده از محل زندگی حضرت شعیب علیه السلام هم‌زمان با دوران حضرت موسی علیه السلام (قصص/ ۲۶) نشان می‌دهد که «ایکه» مکانی بسیار پردرخت بوده (شعرا/ ۱۷۶-۱۷۷؛ طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۱۴۱۷: ۳۱۲/۱۵) و دارای منابع مالی و اقتصادی فراوان بوده است (شعراء/ ۱۸۱-۱۸۳) بنابراین، این اوصاف از منطقه مدین، با علایم مطرح‌شده از آیات در وادی تیه سازگاری ندارد؛ چراکه ظاهراً حتی در نزدیکی قوم بنی‌اسرائیل، آب یا منابع غذایی موجود نبوده است که حضرت موسی علیه السلام متوسل به اعجاز می‌گردد، بنابراین با دقت و تأمل در آیات قرآن، این احتمال بسیار ضعیف است که «طور سینا» همان کوه «جبل اللوز» واقع شده در نزدیک منطقه مدین باشد. بنابراین اگر محل خروج قوم بنی‌اسرائیل از دریا بخش شرقی دریای سرخ بوده است باید از ابتدا وارد منطقه مدین محل زندگی قوم حضرت شعیب می‌گردیدند که مکانی پردرخت و سرشار از منابع اقتصادی بوده و هیچ نیازی به آن تنوع غذایی یا نزول سایبانی از ابر به دلیل بیابان‌های داغ و سوزان نداشته است. به این ترتیب قرائن آیات از مشخصات مکانی که قوم بنی‌اسرائیل در آنجا حضور یافته‌اند حاکی از عبور قوم بنی‌اسرائیل از حاشیه شرقی دریای سرخ نیز نیست.

ج. در میان مفسران و جغرافی دانان مکان طور سینا به شکل مشهور در بین ابله و مصر بیان شده است با وجود اختلاف نظری که در سخن مفسران وجود دارد، هیچ نظری مبنی بر اینکه طور سینا در کوه‌های جبل اللوز در نزدیک مدین در عربستان سعودی باشد، وجود ندارد و از گذشته‌ی دور، مکان طور سینا به شکل مشهور در بین ابله و مصر یا همان حوالی بیان گردیده است (طبرسی، مجمع البیان، ۱۳۷۲، ۱۶۵/۷؛ ابوالفتوح رازی، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، ۱۴۰۸، ۱۵/۱۴؛ بیضاوی، تفسیر بیضاوی، ۱۴۱۸: ۸۴/۴).

شکل ۱. تئوری تطبیق بخش غربی دریای سرخ بر واژه «بحر» در معجزه شکافته شدن دریا و نقص نظریه رون وایت





نتیجه

معجزه شکافته شدن دریا از میان تمام معجزات حضرت موسی علیه السلام، بیشتر تکرار شده و اهمیت بیشتری را نشان می‌دهد. بررسی این مکان علاوه بر این موضوع، وسیله‌ای در جهت تبیین حقانیت دین اسلام است؛ چراکه بهترین سخن را تنها در این مکان در قرآن می‌توان یافت نمود و نکات ظریف مطرح شده در قرآن کمک شایانی می‌کند. این مقاله با فرضیه معادل بودن بخش غربی دریای سرخ بر مکان شکافته شدن دریا بعد از بیان نظریات مختلف از مکان بحر به روش زمینه‌ای به دنبال شکل‌گیری این نظریه، عوامل شکل‌دهنده و تسهیل‌گر آن بود. در کدگذاری باز و بررسی آیات و نیز تحقیقات و گزارشات صورت گرفته مرتبط با موضوع، متوجه می‌شویم، واژه «بحر» و یا مشتقات آن ۳۶ مرتبه در قرآن به کار رفته است و ۲۵ بار آن به صورت مطلق و بدون توجه به دریای خاصی ذکر شده است؛ اما شش مرتبه از این دفعات به شکافته شدن دریا درباره قوم بنی اسرائیل و قضیه خروج مرتبط است. با بررسی این داده‌ها در کدگذاری محوری مفاهیم مشترک در میان آنها شناسایی و سه مقوله محوری استخراج شد. بعضی از این مقولات جزء شرایط علی و شکل‌دهنده پدیده محوری هستند و بعضی به صورت تسهیل‌گر به شمار می‌روند. از مقولات اصلی که به عنوان شرایط علی و شکل‌دهنده شرایط علی، بر پدیده محوری تأثیر گذاشته و منجر به بروز آن گردیده، تحقیقات پزشکی و باستان‌شناسی جسد فرعون بود که طبق شواهد از دریا گرفته شده نه از رود و نیز براساس آیات قرآن، تیه (محل سرگردانی قوم بنی اسرائیل) فاقد آب، غذا، و یا منابع غذایی متداول بوده است. این پدیده محوری با فراهم شدن بسترهای لازم، پیامدهای خوبی را در جهت رد نظریه ران وایت دارد. بنابراین می‌توان گفت محل عبور قوم بنی اسرائیل، شاخه شرقی دریای سرخ یا همان خلیج عقبه نیست. و محل سکونت قوم بنی اسرائیل از دریا عربستان نبوده، بلکه صحرای سینا است. همین‌طور بحر مدنظر، در عبور قوم بنی اسرائیل رود نیل نیست. و در محل عبور قوم بنی اسرائیل قرآن در میان سایر کتب ادیان، صحیح‌ترین و کامل‌ترین رهنمون را دارد. شکل یک می‌تواند گویای بسترها، عوامل علی و شرایط مداخله‌گری باشد که بر روی این پدیده محوری اثرگذار است. با این وجود برای دست یافتن به پیامدها به صورت کامل، راهبردهای زیر نیز پیشنهاد می‌شود:

- تدوین و ترجمه کتابی با موضوع بررسی جغرافیایی معجزه شکافته شدن دریا با توجه به قرآن کریم و پاسخ به تمام دلایل محققان تاکنون.

- تعریف طرح‌ها و پروژه‌های تحقیقاتی در بررسی جغرافیایی معجزات حضرت موسی علیه السلام.

منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه: محمدعلی رضایی اصفهانی و جمعی از اساتید جامعه المصطفی، قم: المصطفی، چاپ دوم، ۱۳۸۸.
۲. ابوالفتوح رازی، حسین بن علی، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، تحقیق: محمدجعفر یاحقی و محمد مهدی ناصح، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۴۰۸ ق.
۳. امین طباطبایی، طاهره؛ احمدیان، محمدعلی، «جغرافیای تاریخی عبورگاه بنی اسرائیل از بحر با تأکید بر دیدگاه‌های مفسران قرآن و عهد عتیق،» مجله علوم قرآن و حدیث، ۱۳۹۳.
۴. بلاغی، صدرالدین، قصص قرآن، تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۶.
۵. بیضاوی، عبدالله بن عمر، أنوار التنزیل و أسرار التأویل، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۸ ق.
۶. بوکای، موریس، مقایسه‌ای میان تورات، انجیل، قرآن و علم، ترجمه ذبیح‌الله دبیر، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۲.
۷. باقری، محمدزمان، تاریخ جهان؛ مومیایی مصر باستان، مجله رشد آموزش تاریخ، دوره پانزدهم، شماره ۴، ۱۳۹۳.
۸. رضایی اصفهانی، محمدعلی؛ فراهی بخشایش، علی اکبر، «سازگاری قرآن و علوم طبیعی از منظر مستشرقان»، دوفصلنامه علمی قرآن پژوهی خاورشناسان، سال ۹ شماره ۱، ۱۳۹۳.
۹. رضایی، حسن؛ ناظمی، میثم، «بررسی باستان‌شناسی و قرآن»، دوفصلنامه علمی قرآن پژوهی خاورشناسان، شماره ۱۴، بهار و تابستان ۱۳۹۲.
۱۰. رضی بهابادی، بی‌بی سادات؛ اسدی، هاجر، «بررسی تطبیقی دیدگاه قرآن و نظریه باستان‌شناسی موریس بوکای درباره نجات بدن فرعون»، مجله قرآن و علم، ۱۳۹۶.
۱۱. زمانی، محمدحسن؛ غلامی، عبدالله؛ کاظمی، سیدنسیم عباس، «مستشرقان هدایت یافته»، دوفصلنامه علمی قرآن پژوهی خاورشناسان، شماره ۱۶، بهار و تابستان ۱۳۹۳.
۱۲. رهنما، زین العابدین؛ ترجمه و تفسیر رهنما، تهران: کیهان، ۱۳۴۶ ش.
۱۳. زمانی، محمدحسن، قرآن و مستشرقان، قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۵.
۱۴. طباطبایی، سیدمحمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: دفتر انتشارات اسلامی حوزه علمیه، ۱۴۱۷ ق.



۱۵. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان لعلوم القرآن، طباطبائی، فضل‌الله، تهران: ناصر خسرو، ۱۳۷۲.
۱۶. عرب، محمدحسن، معاصر، دانشنامه اماکن جغرافیایی در قرآن، تهران: فرهنگ مکتوب، ۱۳۸۷ش.
۱۷. فرزندوحی، جمال؛ جمشیدی، نظام، «نقد مقاله حضرت یوسف در دایرةالمعارف جودائیکا»، دو فصلنامه علمی قرآن‌پژوهی خاورشناسان، سال ۱۴ شماره ۱، ۱۳۹۸.
۱۸. کتاب مقدس، <https://biblehub.com/exodus/19-20.htm>
۱۹. مکارم شیرازی ناصر، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الإسلامية، ۱۳۷۴ش.
20. Beeber ,Marshall ,The Real Mt. Sinai Found In Saudi Arabia, https://www.messianic-literary.com/mt_sinai.html
21. Faiman, D. 2000, . Digging Mount Sinai from the Bible Bible and Spade 13/4
22. Franz, G. 2000 Is Mount Sinai in Saudi Arabia? Bible and Spade 13/4: 101-113.-
23. Faiman ,D.2000 . Digging Mount Sinai from the Bible ,Bible and Spade 4/13118-115 .
24. Mary Nell Wyatt, "Mount Sinai" newsletter article, January 6, 1999http://www.ronwyatt.com/mount_sini
25. Maurice Bucaille ,St Martins Pr, Mummies of the Pharaohs: Modern Medical Investigations, st edition ,November 1, 1990.
26. Millero, Frank & al. The Composition of Standard Seawater and the Definition of the Reference-Composition Salinity Scale in Deep Sea. Research Part I., Oceanographic Research Papers, Vol.
27. Mohammadpour, A, Rezaei, M (2008) Semantic Understanding the Consequences of the Entry into the Region of Orman of the Kurdistan of Iran in the Field of Research, Iranian Journal of Sociology, Vol. 9, No. 1 & 2
28. Smith ,Charles Gordon, Nile River , <https://www.britannica.com/place/Nile-River/Study-and-exploration>.
29. Straus, A. & Corbin, J (2008). Basics of Qualitative Research: techniques and Procedures for Developing Grounded Theory, ThirdEdition, Los Angeles: Sage Publication.

Resources

1. *Quran – e – Karim (Th Holy Quran)*, Rezaei Esfahani, Mohammad Ali and A Group of Professors from Al-Mustafa University, *Quran-e Karim (The Noble Qur'an)*, Al-Mustafa Publications, Qom: 2nd Edition, 1388 SH (2009 CE).
2. Abu al-Futuh Razi, Hossein Bin Ali, *Rawd al-Jinan wa Ruh al-Jinan fi Tafsir al-Quran (Garden of Heaven and Spirit of Heaven in Quranic Interpretation)*, Researched by Mohammad Jafar Yahaghi and Mohammad Mahdi Naseh, Mashhad: Islamic Research Foundation of Astan Quds Razavi, 1408 AH (1987 CE).
3. Amintatababai, Tahereh; Ahmadian, Mohammad Ali, “*Jughrafiyaye Tarikhi Aboorgh Beni Israeil az Behr ba Ta'kid bar Dida-haye Mofassiran Quran va Ahd Atiq*” (*Historical Geography of the Israelites' Crossing of the Sea with Emphasis on the Views of Quranic Exegetes and Ancient Covenant*), *Journal of Quran and Hadith Sciences*, 1393 SH (2014 CE).
4. Arab, Mohammad Hassan, Ma'asir, *Danishnameh Amakin Goghrafiyayi Dar Quran (Encyclopedia of Geographical Places in the Quran)*, Tehran: Farhang Maktoob, 1387 SH (2008 CE).
5. Balaghi, Sadr al-Din, *Qisas al-Quran (Quranic Stories)*, Tehran: Amir Kabir, 1366 SH (1987 CE).
6. Baqeri, Mohammad Zaman, *Tarikh Jahan: Momyayi Misr Bastan (History of the World: Ancient Egyptian Mummies)*, Roshd Education History Journal, Volume 15, Issue 4, 1393 SH (2014 CE).
7. Baydhawi, Abdullah Bin Umar, *Anwar al-Tanzil wa Asrar al-Ta'wil (The Lights of Revelation and the Secrets of Interpretation)*, Beirut: Dar Ihya al-Turath al-Arabi, 1418 AH (1997 CE).
8. Beeber, Marshall, *The Real Mt. Sinai Found In Saudi Arabia*, https://www.messianic-literary.com/mt_sinai.html
9. Boukai, Maurice, *Moqayesei Mian Torah, Enjil, Quran va Elm (A Comparative Study between Torah, Gospel, Quran, and Science)*, Translated by Zabihollah Dabir, Tehran: Office of Islamic Culture Publishing, 1382 SH (2003 CE).
10. Faiman, D. 2000,. *Digging Mount Sinai from the Bible Bible and Spade* 13/4
11. Faiman ,D.2000. *Digging Mount Sinai from the Bible .Bible and Spade* 4/13118-115 .



12. Farzandehi, Jamal; Jamshidi, Nazam, “*Negah-e Naqd-e Hazrat Yusuf dar Dairat al-Ma’arif Judaica*” (A Critical Review of Prophet Joseph’s Article in the *Judaica Encyclopedia*), Scientific Bi-Annual Journal of Orientalists’ Quran Studies, Year 14, No. 1, 1398.
13. Franz, G. 2000 *Is Mount Sinai in Saudi Arabia? Bible and Spade* 13/4: 101-113..-
14. *Holy Bible, Exodus 19:20*, [Online] Available at: <https://biblehub.com/exodus/19-20.htm>
15. Makarem Shirazi, Naser, *Tafsir Nemouneh (The Exemplary Interpretation)*, Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyyah, 1374 SH (1995 CE).
16. Mary Nell Wyatt, “*Mount Sinai*” *Newsletter Article*, January 6, 1999 http://www.ronwyatt.com/mount_sini
17. Maurice Bucaille, St Martins Pr, *Mummies of the Pharaohs: Modern Medical Investigations*, 1st Edition, November 1, 1990.
18. Millero, Frank & al. *The Composition of Standard Seawater and the Definition of the Reference-Composition Salinity Scale in Deep Sea*. Research Part I: Oceanographic Research Papers, Vol.
19. Mohammadpour, A, Rezaei, M (2008) *Semantic Understanding the Consequences of the Entry into the Region of Orman of the Kurdistan of Iran in the Field of Research*, Iranian Journal of Sociology, Vol. 9, No. 1 & 2
20. Rahnama, Zein al-Abidin, *Translation and Interpretation of Rahnama*, Tehran: Keyhan, 1346 SH (1967 CE).
21. Razibehabadi, Bibi Sadat; Asadi, Hajar, “*Barresi Tabeqi Dida-ye Quran va Nazariye Bastanshenasi Maurice Boukai darbareh Najat Badane Firaun*” (A Comparative Study of the *Quranic View and Maurice Boukai’s Archaeological Theory on Pharaoh’s Body Salvation*), Quran and Science Journal, 1396 SH (2017 CE).
22. Rezei Esfahani, Mohammad Ali; Farahibakhshayesh, Ali Akbar, “*Sazgari Quran va Olum-e Tabie’i az Manzar-e Mostashraqan*” (The Harmony of the Quran with Natural Sciences from the Perspective of Orientalists), Scientific Bi-Annual Journal of Orientalists’ Quran Studies, Year 9, No. 1, 1393.
23. Rezei, Hassan; Nazemi, Misam, “*Barresi Bastanshenasi va Quran*” (Archaeological Study and the Quran), Scientific Bi-Annual Journal of Orientalists’ Quran Studies, No. 14, Spring and Summer 1392.

24. Smith, Charles Gordon, *Nile River*, <https://www.britannica.com/place/Nile-River/Study-and-exploration>.
25. Straus, A. & Corbin, J (2008). *Basics of Qualitative Research: techniques and Procedures for Developing Grounded Theory*, 3rd Edition, Los Angeles: Sage Publication.
26. Tabarsi, Fadl Bin Hassan, *Majma al-Bayan li 'Ulum al-Quran (The Collection of Explanations of Quranic Sciences)*, Tabatabai, Fadlullah, Tehran: Naser Khosrow, 1372 SH (1993 CE).
27. Tabatabai, Sayyid Mohammad Hossein, *Al-Mizan fi Tafsir al-Quran (Al-Mizan in Quranic Interpretation)*, Qom: Office of Publications of the Seminary, 1417 AH (1996 CE).
28. Zamani, Mohammad Hassan, *Quran va Mastashraghan (Quran and Orientalists)*, Qom: Bustan Ketab, 1385 SH (2006 CE).
29. Zamani, Mohammad Hassan; Gholami, Abdullah; Kazemi, Seyed Naseem Abbas, "*Mastashraghan Hedayat Yafteh*" (*Guided Orientalists*), Scientific Bi-Annual Journal of Orientalists' Quran Studies, No. 16, Spring and Summer 1393.